

به نام خدا

ماهنامه کاوش (۲۸)

فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... پنج راهی که او باما می تواند جهت ارتقای آزادی در ایران اتخاذ کند.....
- ۴..... آیا انتخابات ایران به تغییر دلخواه مورد نظر ما منجر خواهد شد؟
- ۶..... انتخابات در ایران امری فراتر از آرا.....
- ۸..... مداخله نکنید بلکه الگویی برای عمل به وجود آورید
- ۱۰..... منافع آمریکا در ایران
- ۱۲..... نتایج انتخابات ایران، عدم کارآمدی قوانین آمریکا در خاورمیانه را به اثبات می رساند.....
- ۱۴..... روند انتخابات صوری در ایران.....
- ۱۶..... چهار سال بیشتر احمدی نژاد.....
- ۱۸..... روند توقف یک بمب ایرانی.....
- ۲۰..... بحران ایران: هنوز خیلی مانده تا تمام شود
- ۲۲..... تضعیف حکومت دینی در ایران
- ۲۵..... انقلاب سبز در آمریکا.....
- ۲۸..... قبل از صحبت با ایران باید اندیشید.....
- ۳۱..... آمریکا و ایران: میان انتخابات و غنی سازی اورانیوم
- ۳۴..... ساختار سیاست خارجی سردرگم آمریکا در مورد ایران
- ۳۷..... چرا اسرائیل به ایران حمله نخواهد کرد؟

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۹۷۵۸

دفتر: مطالعات سیاسی

مرداد ماه ۱۳۸۸



یکی از مهم‌ترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این مسئله از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهم‌ترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته میلادی مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیل غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. بر این اساس در شماره ۲۸ ماهنامه کاوش با توجه به تمرکز بسیاری از مؤسسات پژوهشی بر دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران، به مقالاتی در این باره و سایر موضوعات جدید مرتبط با روابط خارجی ایران مانند برنامه هسته‌ای پرداخته شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله قبول و تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی نیست. ماهنامه کاوش جهت تقویت بهبود رویه خود از پیشنهادات و انتقادات اندیشمندان محترم استقبال می‌کند.



عنوان: پنج راهی که اوپاما می‌تواند جهت ارتقای آزادی در ایران اتخاذ کند^۱

نویسنده: دانیل سنور

منبع: Council on Foreign Relation^۲

نویسنده در این مقاله به انتخابات ریاست جمهوری ایران و شرایط پس از آن پرداخته و توصیه‌هایی به دولت آمریکا در مورد تعامل با ایران ارائه می‌دهد. این توصیه‌ها در پنج محور زیر مطرح شده است:

۱. دولت اوپاما باید به آقای موسوی تمایل خود را در مورد مسائل به‌وجود آمده ابراز و بر امنیت وی تأکید کند. چنانچه مشابه این امر در مورد انتخابات لبنان از طریق اعزام بایدن - معاون رئیس‌جمهور آمریکا - به این کشور و حمایت از جریان حاکم صورت گرفت.

۲. اقدام دیگر اوپاما، ارسال پیامی دیگر برای مردم ایران است. در این پیام وی باید به عدم تمایل مردم ایران به حکومت فعلی اشاره کرده و ضرورت ایرانی دیگر را یادآور شود. اوپاما باید به مخالفان بگوید که نیازهای مالی، اجتماعات و مجامع دیپلماتیک را به نفع آنها تقویت خواهد کرد. نکته کلیدی آن است که اصلاح‌طلبان نیازهای خود را به آمریکا بگویند و مطمئن از حمایت آمریکا جهت تأمین منابع مورد نیاز آنها شوند. چنانچه مشابه این اقدامات در اوکراین اتفاق افتاد و مخالفان دولت به همراهی آمریکا موفق به تغییر رژیم شدند. بنابراین در ایران نباید تنها به برگزاری انتخابات مجدد بسنده کرد بلکه باید در انتخابات مجدد، تمامی نامزدها بتوانند به

1. Daniel Senor "Five Ways Obama Could Promote Freedom in Iran", Council on Foreign, Relation, June 17 2009.

۲. شورای روابط خارجی آمریکا یکی از مهم‌ترین ارکان مؤثر در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی آمریکاست.



رقابت بپردازند.

۳. اقدام سوم حمایت مالی گسترده‌تر از رادیو فردا و رادیو اروپای آزاد و سایت‌های اینترنتی فارسی‌زبان است. این منابع، تحلیل‌های لازم را که دولت ایران از مردمش دریغ می‌کند در اختیار آنان قرار می‌دهد.

۴. رئیس‌جمهور آمریکا باید سفرای آمریکا در اروپا و کشورهای خلیج فارس را مأمور به دیدار با مخالفان ایرانی کند. این دیدارها می‌تواند با هدف جمع‌آوری اطلاعاتی به‌مراتب گسترده‌تر از منابع اطلاعاتی آمریکا صورت پذیرد و از سویی بیانگر حمایت آمریکا از مردم ایران باشد.

۵. دولت آمریکا بایستی ابزار و امکانات لازم را در اختیار اصلاح‌طلبان و مخالفان حکومت ایران جهت مبارزه عقیدتی قرار دهد. اقدامات مشابهی در دهه ۱۹۸۰ از طریق در اختیار گذاشتن دستگاه‌های فتوکپی و فکس به مخالفان در اروپای شرقی صورت گرفت. امروزه مخالفان ایران نیازمند دسترسی به وبسایت‌ها، اینترنت و سایر ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی هستند. تأمین مالی باید به سازمان‌های غیردولتی مستقل و کسانی که ابزارهای ارتباطی نظیر وبلاگ‌ها و رسانه‌ها را در اختیار دارند، اختصاص یابد. از سوی دیگر شبکه‌های ماهواره‌ای رادیو و تلویزیون نیز امکان مناسبی برای دسترسی ایرانیان فراهم می‌آورد. امکانات اینترنتی نظیر twitter و facebook نیز محملی مناسب برای استفاده و تأثیرگذاری بر افکار عمومی ایرانیان است. همه این اقدامات باید به‌نحوی صورت پذیرد که اصلاح‌طلبان از حمایت آمریکا مطمئن شوند.



عنوان: آیا انتخابات ایران به تغییر دلخواه مورد نظر ما منجر خواهد شد؟^۱

نویسنده: مایکل سینگ

منبع: The Washington Institute for Near East policy^۲

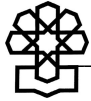
سیاست ایران برای بسیاری از غربی‌ها مانند یک جعبه سیاه است و بر این اساس تصور اینکه نتیجه انتخابات ریاست جمهوری چه خواهد بود مشکل است. اما در صورت هرگونه نتیجه‌ای در این انتخابات، همچنان سیاست‌های اساسی نظام مانند فعالیت‌های هسته‌ای و روابط ایران با آمریکا توسط رهبری هدایت خواهد شد. با این وجود نتیجه انتخابات و واکنش آمریکا در قبال آن بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران نقش مهم و مؤثری می‌گذارد. در ادامه گزارش به تأثیر نتیجه انتخابات و پیروزی هریک از کاندیداهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران بر مسئله روابط ایران و آمریکا و اینکه چگونه با پیروزی هر کدام از کاندیداهای مزبور، احتمال تنش‌زدایی و بهبود روابط وجود دارد. نویسنده تأکید می‌کند که در شرایط کنونی، پیروزی احمدی‌نژاد نیز مانند پیروزی اصلاح‌طلبان، به تنش‌زدایی میان ایران و آمریکا منجر می‌شود. با این وجود، با پیروزی جریان اصلاح‌طلب علی‌رغم تحولاتی در سیاست خارجی ایران، همچنان فعالیت‌های هسته‌ای و حمایت ایران از جبهه مقاومت تحت نظر رهبری تداوم خواهد یافت. چنانچه در دوران خاتمی نیز این‌گونه سیاست‌های ایران پیگیری شد. بر این اساس، این سؤال مطرح می‌شود که موضع آمریکا در قبال این انتخابات چه باید باشد؟ در این میان، آمریکا باید توجه داشته باشد که در انتخابات،

1. Michel Singh, "will Iran Election Produce Change We Can Believe In? The Washington Institute for Near East Policy, June 11 2009.

۲. از مؤسسات پژوهشی آمریکا در حوزه مسائل بین‌المللی و به‌ویژه تحولات حوزه خاورمیانه و خاور دور است.



نقش عوامل خارجی در پیروزی یک کاندیدا نسبت به عوامل اقتصادی و اجتماعی بسیار کم‌رنگ است. بنابراین نتیجه انتخابات هرگز نگرش و خواسته مردم ایران در قبال تعامل با آمریکا را نشان نمی‌دهد. از سوی دیگر فارغ از هرگونه نتیجه انتخابات، آمریکا باید سیاست‌های خود را برای اعمال فشار بر ایران در راستای جلوگیری آن از دستیابی به سلاح هسته‌ای ادامه دهد. همچنین در صورت هرگونه نتیجه‌ای در انتخابات ایران، آمریکا این پیام را باید به سیاستگذاران ایرانی منتقل کند که آمریکا بدون توجه به این انتخابات، تنها براساس عملکرد و اقدامات ایران به قضاوت می‌پردازد و توجه کمتری به سیاست‌های اعلامی سیاستگذاران آن دارد.



عنوان: انتخابات در ایران امری فراتر از آرا^۱

نویسنده: بابک یکتافر

منبع: world Politics Review^۲

نویسنده مقاله سعی می‌کند از زاویه‌ای متفاوت به انتخابات ایران بنگرد. وی می‌نویسد منتقدان حکومت معتقدند که ایران، تنها از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و شوراهای جهت اثبات مشروعیت خود استفاده می‌کند. آنها انتخابات اخیر را شاهی بر این ادعا می‌دانند و تأکید می‌کنند که مسلماً صرف برگزاری انتخابات باعث ایجاد یک دمکراسی شفاف نمی‌شود و با این وجود نویسنده معتقد است انتخابات ایران دارای دو نکته اساسی بود که غرب کمتر به آن پرداخته است:

۱. در سال‌های اخیر این انتخابات فرصتی را برای ورود جامعه مدنی ایران به صحنه به وجود آورده است و آنها توانسته‌اند خود را از سرخوردگی‌های رهایی بخشند. مردم ایران توانایی بسیج عمومی خود را از زمان انتخابات ۱۹۹۷ ریاست جمهوری خاتمی توانسته‌اند در انتخابات مختلف نشان دهند. حضور و مشارکت بالای ایرانیان در انتخابات اخیر نشان از جدیت آنها برای حضور اجتماعی دارد.

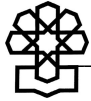
۲. انتخابات اخیر نشان از تضادها و اختلافات درونی نخبگان حکومت داشت که نمود جدی آن در مناظره‌های تلویزیونی انتخابات ریاست جمهوری خود را نمایان ساخت که در آن احمدی‌نژاد به بهترین حامی موسوی (یعنی هاشمی رفسنجانی که از ستون‌های جمهوری اسلامی است) حمله کرد.

1. Babak yektafar, "Elections in Iran : More than just the Votes", World Politics Review, 22 jun 2009.

۲. از پایگاه‌های معتبر تحلیلی مسائل بین‌المللی است.



نتیجه این مسائل گسترش آشوب‌های خیابانی پس از انتخابات و مشارکت و حضور مردم در عرصه جدیدتری شد. ایرانیان از یک قرن قبل که به دنبال مشروطیت بودند تا مبارزات مربوط به ملی شدن نفت در دهه ۱۹۵۰ میلادی و نیز از انقلاب اسلامی تاکنون به دنبال حضور و مشارکت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی خود بوده‌اند و طبیعی است هنگامی که تصور می‌کنند به آنها خیانت شده است به صحنه بیایند. جامعه مدنی قدرتمندی که مشتاق حضور در صحنه بوده، می‌تواند برای ثبات ایران خطر ساز باشد.



عنوان: مداخله نکنید بلکه الگویی برای عمل به وجود آورید^۱

نویسنده: مایکل روبین

منبع: American Enterprise Institute^۲

دولت اوپاما نباید اشتباه دولت بوش را در مورد سیاست خود در قبال ایران تکرار کند. رویکرد بوش فاقد انسجام و هماهنگی بود. یک ماه پس از آنکه بوش ایران را محور شرارت خواند، معاون وزیر خارجه آمریکا این کشور را [مجری] دمکراسی نامید. بنابراین در دوره بوش هر چند ادبیات کاخ سفید در مورد ایران بسیار شدید بود ولی پس از دوران کارتر بیشترین تعامل با ایران صورت گرفت. صرف نظر از نوع استراتژی اتخاذی از جانب آمریکا، اوپاما باید بداند که شکاف میان حرف و عمل نسبت معکوس با اعتبار افراد دارد. مسئله آن است که استراتژی اتخاذی باید جامع و مانع باشد. هر استراتژی باید شامل گزینه‌های دیپلماسی، اطلاعاتی، اقتصادی و حتی نظامی باشد. در این میان، اگرچه رقبا همواره خطوط قرمز یکدیگر را آزمون می‌کنند اما اوپاما نباید مانند بوش خطوط قرمز را با مداد رسم کند. زیرا که اعتبار اخلاقی نیز اهمیت بسیاری دارد. بنابراین اوپاما باید بر مفاهیمی نظیر آزادی بدون اشاره به گروهی خاص تأکید کند. از سوی دیگر، اوپاما باید میان اصلاح‌طلبان و مردم عادی مدیران تمایز قائل شود. اصلاح‌طلبان به دنبال تضعیف یا سکولار کردن جمهوری اسلامی نیستند؛ بلکه به دنبال اصلاح و تقویت آن هستند. ایرانیانی که مخالف کمک آمریکا به جامعه مدنی هستند، وفادار به جمهوری اسلامی‌اند. این امر به معنای

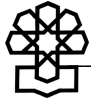
1. Michel Rubin "Don't Meddle, but help Create a Template for Iranians to Act American Enterprise Institute, June 18, 2009.

۲. از پایگاه‌های وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکا که توجه زیادی به بررسی تحولات خاورمیانه دارد.



حمایت از گروه‌های مخالف نیست. هدف دستگاه امنیتی ما نباید شناسایی افرادی باشد تا هدایت را به دست بگیرند؛ بلکه باید ایجاد الگویی برای مردم عادی جهت اقدام براساس آن باشد. از سوی دیگر اگرچه بیشترین بودجه تقویت دموکراسی در ایران به صدای آمریکا و رادیو فردا اختصاص یافته است، اما در حالی که ایران رسانه‌های داخلی خود را محدود ساخته است باید بودجه این نهادها ده برابر شود. مشکل عمده جمهوری اسلامی آن است که بیش از آنکه خود را به مردم پاسخگو بداند خود را به خدا پاسخگو می‌داند و لذا به جای پرداختن به مسائل روزمره مردم اقدام به سرمایه‌گذاری در غنی‌سازی اورانیوم می‌کند، اگر دولت ایران مجبور به پاسخگویی به مردم شود رفتارشان تغییر قابل ملاحظه‌ای خواهد کرد.

اوباما ممکن است بخواهد با رهبران ایران تعامل کند ولی باید بداند که مردم ایران مهمتر هستند.



عنوان: منافع آمریکا در ایران^۱

منبع: The Jewish Institute for National Security Affairs^۲

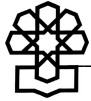
این گزارش به بررسی رویکرد و منافع آمریکا در قبال ایران پرداخته و تلاش کرده است منافع این کشور را در پرتو انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در ایران مورد ارزیابی قرار دهد. در ابتدای گزارش به سخنان بایدن - معاون رئیس‌جمهور آمریکا - قبل از انتخابات ایران اشاره شده که از نظر وی منافع آمریکا در ایران و قبل و بعد از انتخابات یکسان و مبتنی بر توقف ساخت سلاح هسته‌ای و حمایت از تروریسم است. در ادامه گزارش آمده است: بر این اساس مسلماً مشکلات آمریکا و ایران نیز قبل و بعد از انتخابات یکسان خواهد بود زیرا که این انتخابات در صورت برگزاری منصفانه و عادلانه نیز در درون جریان‌های سیاسی نظام ایران صورت می‌گیرد و کاندیداهای ریاست جمهوری هر یک در گذشته نقش مهمی در ایران برعهده داشته‌اند به گونه‌ای که مثلاً اگرچه میرحسین موسوی خود را یک اصلاح‌طلب می‌داند اما وی یکی از اعضای شورای عالی امنیت ملی در سال ۲۰۰۵ بوده که از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای را به عنوان حق ایران به تصویب رسانید. از سوی دیگر برخی از مسائلی که کاندیداهای انتخابات ایران مطرح می‌کند مانند هزینه‌های هولوکاست برای ایران یا وعده آزادی‌های وسیع‌تر نیز از سوی بایدن به عنوان منافع آمریکا در ایران معرفی نشده‌اند. به علاوه که سیاست‌های کلان و استراتژی‌های نظام از ابتدای انقلاب تاکنون به عنوان سیاست‌های ملی پیگیری شده و ارتباطی با انتخابات ریاست

1. "American Interest in Iran", The Jewish Institute for National Security Affairs, Jinsa Report 896, June 15 2009.

۲. از مؤسسات پژوهشی یهودی که به بررسی مسائل امنیت ملی اسرائیل می‌پردازد.



جمهوری نداشته است. بنابراین همان‌طور که معاون رئیس‌جمهور آمریکا مطرح کرده است، رؤسای جمهور در ایران نقش مؤثری در این موضوعات نداشته‌اند و مجموعه رژیم ایران باید نسبت به سیاست‌های خود تجدیدنظر کند. در ادامه، گزارش تلاش کرده است انتخابات ایران را به‌عنوان یک مسئله صوری و ظاهری در نظام به‌منظور تعیین نتیجه دلخواه معرفی کند که رأی مردم نقشی در انتخاب کاندیدای آنان ندارد و رویکرد دولت‌های اروپایی و آمریکا پس از برگزاری انتخابات نیز تنها اظهار تأسف از آن و سپس پیگیری اهداف و منافع خود در قبال رژیم است و ایران نیز همچنان به سیاست‌های خود در قبال آنان ادامه می‌دهد.



عنوان: نتایج انتخابات ایران، عدم کارآمدی قوانین آمریکا در خاورمیانه را به اثبات می‌رساند^۱

نویسنده: مایکل روبین

منبع: American Enterprise Institute^۲

نویسنده در این گزارش به ارزیابی سیاست جدید اوباما در منطقه خاورمیانه می‌پردازد و تأکید می‌کند که این مسئله که سیاست‌های اوباما طیعه دوره جدیدی از تغییرات در خاورمیانه خواهد بود، تنها یک تصور خیالی بیش نیست. بر این اساس، نویسنده در ابتدای گزارش به سفر اوباما به منطقه خاورمیانه و اظهارات وی مبنی بر تلاش برای آغاز دوران جدیدی در تعاملات آمریکا و مسلمانان جهان اشاره کرده و تأکید می‌کند که اگرچه برخی از تحلیلگران مسائل منطقه تأثیر این سفر اوباما را به معنای شروع دوران جدیدی در تحولات منطقه و آمریکا می‌دانند (و نتیجه انتخابات لبنان را نیز شاهی بر این مدعا ذکر می‌کنند) اما با این وجود با پیروزی مجدد احمدی‌نژاد در انتخابات ایران این مسئله آشکار شده است که سیاست‌های اوباما بر منطقه خاورمیانه تأثیراتی را به دنبال دارد؛ اما این تغییرات وسیع نخواهند بود. در واقع با نگاهی به انتخابات ایران، این مسئله آشکار می‌شود که تنها پیگیری سیاست‌های کنونی اوباما (مانند تأکید وی بر مذاکرات مستقیم با ایران و دراز کردن دستش برای همکاری با این کشور، تأیید نظام کنونی ایران، پذیرش حق غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران و اعتراف به سرنگونی دولت آن توسط آمریکا) نمی‌تواند

1. Michel Rubin, "The Obama Effect ? Iran Election Results Proves The U.S. Formula in the Middle Eart is Not Working, American Enterpriser Institute, June 14, 2009

۲. از پایگاه‌های وابسته به محافظه‌کاران آمریکا که توجه زیادی به بررسی تحولات در حوزه مسائل خاورمیانه دارد.



واقعیات منطقه را تغییر دهند زیرا که در انتخابات اخیر ایران مجدداً احمدی‌نژاد (که رویکرد تقابلی‌گرایانه‌ای با غرب دارد) پیروز شد. بنابراین، از یکسو تصور او‌باما مبنی بر موفقیت سیاست‌های وی برای از سرگیری روابط دوجانبه با ایران با واقعیات موجود همخوانا نیست و از سوی دیگر تفسیر او‌باما نسبت به انتخابات لبنان نیز نادرست است؛ زیرا که سیاست‌های بوش در اعمال فشار بر سوریه و عقب‌نشینی آن از لبنان، زمینه تقویت گروه‌های غرب‌گرا را به‌وجود آورد. بنابراین در صورتی که سیاست‌های اعمالی او‌باما تنها مبتنی بر شعارها و بدون توجه به واقعیات منطقه خاورمیانه باشد مسلماً احتمال و خطر درگیری نیز افزایش می‌یابد.



عنوان: روند انتخابات صوری در ایران^۱

نویسنده: جان بولتون

منبع: American Enterprise Institute^۲

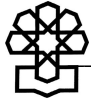
این مقاله به بررسی انتخابات در ایران پرداخته و با تأکید بر انتخابات دهم ریاست جمهوری معتقد است که دمکراسی در ایران پس از انقلاب، بسیار تعجب‌انگیز بوده است. در ابتدای گزارش نویسنده به بررسی ویژگی‌های انتخابات ریاست جمهوری در ایران پرداخته است. نویسنده تأکید می‌کند که در انتخابات ریاست جمهوری ایران، کاندیداها باید توسط شورای نگهبان تأیید شوند و در این انتخابات تنها ۴ نفر از مجموع ۵۰۰ کاندیدا، مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفتند. علاوه بر این، مقام ریاست جمهوری در ایران بالاترین مقام رسمی نیست و نقش رهبری بسیار تعیین‌کننده است. از سوی دیگر نویسنده به دنبال القای این مسئله است که انتخابات در ایران مستقل نبوده و تحت کنترل است و نقش سازمان‌ها و جریان‌های خاص سیاسی و نظامی در این روند بسیار مهم است. لذا هر کسی که در انتخابات پیروز شود به دنبال تغییرات اساسی در موضوعاتی مانند دستیابی به سلاح هسته‌ای یا حمایت ایران از گروه‌های مقاومت نخواهد بود. این مسئله مهمی است که به اعتقاد نویسنده، از دید گزارشگران خارجی که با طبقات متوسط و ایرانیان خارج از کشور ارتباط دارند، مغفول می‌ماند. در ادامه گزارش، نویسنده با تأکید بر اینکه علی‌رغم اینکه برخی از تحلیلگران غربی میان جریان‌های داخل ایران تمایزاتی قائل می‌شوند؛ اما

1. John Bolton "Iran Election Processe a Sham", American Enterprise Institute June 15, 2009

۲. از مهم‌ترین پایگاه‌های وابسته به محافظه‌کاران آمریکایی که به بررسی تحولات حوزه خاورمیانه نیز می‌پردازد.



عملاً در بررسی سیاست‌های ایران، ساختار کنونی نظام و در واقع کلیت نظام جمهوری اسلامی باید مورد توجه قرار گرفته و به تقابل با آن پرداخت؛ زیرا که در داخل کشور نیز مخالفت‌هایی با رویکرد مقابله با ساختار کنونی نظام ایران صورت می‌گیرد؛ بنابراین نویسنده تأکید می‌کند که رویکرد دولت‌های غربی و اوپاما باید نسبت به این مسئله مورد تجدیدنظر قرار گیرد؛ زیرا که این برداشت نادرست اوپاما در نگرش و عملکرد وی در قبال مسئله هسته‌ای ایران و حمایت آن از گروه‌های تروریستی تأثیرگذار است. در این شرایط نویسنده توصیه می‌کند که با حمایت دقیق خارجی، امکان تحول تدریجی نظام سیاسی ایران وجود دارد. در این میان، وقایع پس از انتخابات ایران - به اعتقاد نویسنده - نشان داد که در ایران، دموکراسی از طریق نظام کنونی، دست‌نیافتنی است. بنابراین کلیت نظام باید تغییر کند و تحولات کوچک نمی‌تواند نقش مهم و مؤثری در سیاست‌های ایران داشته باشد.



عنوان: چهار سال بیشتر احمدی‌نژاد^۱

نویسنده: علی آلفونه

منبع: American Enterprise Institute^۲

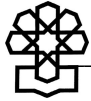
این گزارش به بررسی انتخابات در ایران پرداخته و تلاش کرده است روند برگزاری انتخابات در ایران را غیرمنصفانه و غیرآزاد بیان کند. نویسنده در ابتدای گزارش تأکید می‌کند که برخلاف انتخابات عراق در دوره صدام - که نتایج آن همواره غیرقابل پذیرش بود - انتخابات ایران همواره پیچیده بوده و نظام به دنبال حفظ وجهه مردسالاری دینی خود بوده است. با این وجود به اعتقاد نویسنده در انتخابات اخیر علی‌رغم اینکه تعداد محدودی از کاندیداها توسط شورای نگهبان تأیید صلاحیت شدند، احمدی‌نژاد از حمایت غیرمستقیم و مؤثری نیز برخوردار بود. به‌علاوه که جریان ارتباطات و رسانه‌ای نیز کمک مهمی به پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات اخیر کرد. در این میان، نقش گروه‌های شبه‌نظامی و نظامی خاصی نیز در این انتخابات پررنگ‌تر شده بود. در ادامه گزارش نویسنده تلاش کرده است به روند انتخابات در ایران و چگونگی تأثیر آن در نتایج انتخابات بپردازد. به‌گونه‌ای که مثلاً عدم ارائه اطلاعات جامع استانی پس از انتخابات از سوی وزارت کشور، کمبود برکه تعرفه رأی و... از دید نویسنده در نتیجه مؤثر بوده است. در این شرایط پیروزی احمدی‌نژاد نشانه تغییراتی در داخل نظام و تحول سریع آن به‌سوی جریانی نظامی است. نویسنده در ادامه گزارش تأکید می‌کند که احمدی‌نژاد کاندیدای تغییر در درون نظام

1. Ali Alfoneh, "For More Years of Ahmadinejad" American Institute June 2009.

۲. از پایگاه‌های وابسته به محافظه‌کاران آمریکا که توجه ویژه‌ای به تحولات حوزه خاورمیانه نیز دارد.



است. این مسئله به واسطه تحولات انتخاباتی در دوران مناظرات و تحولات پس از آن کاملاً آشکار است. در این شرایط به اعتقاد نویسنده با گذار از دوران احمدی‌نژاد عملاً با شکل جدیدی از ساختار نظام جمهوری اسلامی مواجه خواهیم بود که ویژگی بارز آن حرکت به سمت نوعی جریان نظامی‌گری است؛ لذا چهار سال آینده ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، با تحولات جدی در ایران همراه خواهد بود و در این شرایط، این مسئله که آیا این تغییرات خوب یا بد هستند مسئله دیگری است.



عنوان: روند توقف یک بمب ایرانی^۱

نویسنده: جان هنباب

منبع: The Washington Institute for Near East Policy^۲

پرونده هسته‌ای ایران و چگونگی تعامل با آن، محور مذاکرات نتانیاهو و اوباما بود. در این مذاکرات دوجانبه، یک مسئله اساسی در این موضوع مطرح شد و آن اینکه آیا استراتژی اوباما در برابر ایران می‌تواند این کشور را به توقف برنامه هسته‌ایش متقاعد کند. در این زمینه شواهد تاریخی امید چندانی برای توقف غنی‌سازی از طریق سیاست‌های اوباما ارائه نمی‌دهد و به نظر می‌رسد که سیاست‌هایی مانند تغییر رژیم و دیپلماسی سخت و اقدام نظامی، تأثیر بیشتری نسبت به سیاست‌های نرم و اقداماتی مبتنی بر احترام متقابل داشته باشد چنانچه مسئله هسته‌ای لیبی، تنها پس از حمله آمریکا به عراق و سرنگونی رژیم صدام و احتمال اقدامی مشابه علیه لیبی فیصله یافت. از سوی دیگر پرونده هسته‌ای عراق و جاه‌طلبی‌های صدام نیز تنها از این طریق متوقف شد. همچنین اقدام نظامی اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای سوریه نیز اقدام ضروری و مهمی برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای آن بود. بر این اساس، در پرونده هسته‌ای ایران نیز تنها از طریق فشارهای دیپلماتیک و نظامی می‌توان به توقف فعالیت‌های هسته‌ای دست یافت و سیاست‌های مماشات‌گرایانه و مذاکره با ایران راه به جایی نخواهد برد. چنانچه براساس گزارش آژانس اطلاعات ملی آمریکا، توقف برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳ نیز به واسطه افزایش فشارهای بین‌المللی بر ایران پس از افشای فعالیت‌های پنهان هسته‌ای آن صورت گرفت. همچنین اقدام نظامی

1. John Hannab "Stopping On Iranian Bomb" The Washington Institute for Near East Policy, May 19, 2009.

۲. از مؤسسات پژوهشی آمریکا در حوزه مسائل بین‌المللی و به‌ویژه تحولات حوزه خاورمیانه و خاور دور است.



آمریکا در همسایگی ایران علیه عراق و سرنگونی رژیم صدام نیز نقش مهمی در این مسئله داشت. بنابراین آمریکا باید با سیاست‌های ترکیبی شامل فشارهای دیپلماتیک، تحریم اقتصادی و اقدام نظامی، ایران را مجبور به توقف برنامه هسته‌ایش کند. از سوی دیگر سیاست‌های دولت اوباما در قبال ایران و تلاش آن برای بهبود روابط با این کشور نیز تاکنون نتایج معکوس به‌بار آورده است. چنانچه در این مدت اقداماتی مانند پرتاب ماهواره، توسعه فعالیت‌های هسته‌ای، دستگیری یک روزنامه‌نگار آمریکایی به جرم جاسوسی توسط ایران صورت گرفته است. همچنین سیاست‌های آمریکا در تقابل با رویکرد متحدان آن در خاورمیانه برای افزایش فشار بر ایران است. چنانچه مصر تلاش‌های آشکاری میان دوستان عرب آمریکا در مقابله با تلاش‌های براندازانه ایران در خاورمیانه پیگیری می‌کند در حالی که اوباما نسبت به تحولات منطقه سکوت پیشه کرده و با انعطاف‌پذیری در مقابل ایران، کانون مشکلات منطقه را تداوم بخشیده است. از سوی دیگر تفاوت آشکاری میان رویکرد اوباما و اسرائیل نیز وجود دارد. این مسئله به‌ویژه در قبال رویکرد نظامی اسرائیل برای توقف برنامه هسته‌ای ایران آشکار است به‌گونه‌ای که معاون رئیس‌جمهور و وزیر دفاع آمریکا آشکارا به اسرائیل در مورد هرگونه اقدام نظامی علیه ایران هشدار داده‌اند. با توجه به مجموعه این شرایط، سؤالی که به‌وجود می‌آید این است که آیا سیاست‌های اوباما می‌تواند به توقف برنامه هسته‌ای ایران کمک کند؟ در این زمینه اگرچه امیدهایی مبنی بر این مسئله وجود دارد اما تاریخ رژیم‌های خاورمیانه و تلاش آنان برای دستیابی به سلاح هسته‌ای نشان می‌دهد که سیاست اوباما در این موضوع، تنها بازتاب نوعی آرمان‌گرایی مبتنی بر پیروزی امید بر تجربه تاریخی است.



عنوان: بحران ایران: هنوز خیلی مانده تا تمام شود^۱
منبع: Economist^۲

هرچند که احتمال دارد اعتراضات خیابانی رو به کاهش گذارده باشد، اما واقعیت این است که جنگ داخلی قدرت از سوی جناح‌های سیاسی ایران حتی خطری بیش از اعتراضات خیابانی دارد. اگرچه به نظر می‌رسد که در روزهای اخیر از دامنه نمایش مخالفت‌ها کاسته شده، اما هنوز هیچ‌یک از دو طرف دعوا نمی‌توانند ادعا کنند که پیروز شده‌اند و شرایط به‌گونه‌ای است که حتی توازن قوای موجود در حال سیر به ضد وضعیت موجود است. تداوم وضعیت موجود ممکن است به الهام‌بخشی نظام سیاسی ایران در بین ملت‌های مسلمان منطقه و جهان لطمات جبران‌ناپذیری وارد کند.

برای نخستین بار است که نزاع چنین آشکاری بر سر قدرت در سطوح بالای نظام سیاسی ایران از پرده برون افتاده است و اگر حتی نیروهای امنیتی بتوانند مخالفان را از خیابان‌ها پراکنده سازند، جدال جناح‌ها همچنان ادامه خواهد یافت. با وجود اینکه اصلاح در نظام سیاسی ایران مطلوب است؛ اما خارجیان نمی‌توانند اقدامات چندانی در تقویت اصلاح‌طلبان صورت دهند.

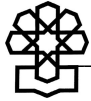
اکنون می‌باید در پایان می‌نویسد که البته هدف اصلی اوباما قانع کردن ایران به توقف تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای است و از این رو وی مجبور است دیر یا زود با دولت ایران ارتباط برقرار کند؛ حال چه در رأس حکومت ایران فردی باشد که

1. "Iran's crisis: It is far from over" The Economist, June 25, 2009.

۲. از نشریات مهم که به بررسی مسائل اقتصادی و بین‌المللی می‌پردازد.



منکر هولوکاست است (احمدی‌نژاد) و چه یک اسلام‌گرای اصلاح‌طلب (موسوی) که او هم مانند رقیب خود خواهان دستیابی ایران به توانایی اتمی است.



عنوان: تضعیف حکومت دینی در ایران^۱

نویسنده: فرید زکریا

منبع: Newsweek^۲

فرید زکریا، سردبیر بین‌المللی هفته‌نامه نیوزویک، در مقدمه مقاله خود که در شماره اخیر مجله نیوزویک، به نظریه ولایت فقیه اشاره می‌کند، نظریه‌ای که جوهره نظام سیاسی است که به رهبری و ابتکار آیت‌ا... خمینی ۳۰ سال پیش در ایران بنا شد. فرید زکریا با مروری بر حوادث پس از انتخابات در ایران، نتیجه می‌گیرد که آیت‌ا... خامنه‌ای با دادن تمام وعده‌ها و استفاده از تمام راهکارهای موجود در این نظام، نتوانست اعتماد و آرامش معترضان را جلب کند. حکومت اسلامی ایران که همواره مشروعیت خود را از دین و موقعیت بلامنازع ولی فقیه کسب می‌کند این بار در برابر اراده مردم عاجز مانده است. چون امروز در ایران - حداقل برای اکثریت مردم - مشروعیت نه محصول دین، که نتیجه رأی مردم است و این به زبانی دیگر پایان مشروعیت این نظام است. نویسنده یادآوری می‌کند که روحانیون حاکم بر ایران، بارها در برابر اراده و خواست ملت قرار گرفته‌اند ولی در تمام موارد قبلی آنها توانسته‌اند یکپارچگی خود را حفظ کرده و از دل بحران بیرون بیایند. اما این بار به نظر می‌رسد در میان نیرومندترین چهره‌های این نظام شکاف جدی ایجاد شده است؛ از جمله این اختلاف‌ها - به نوشته زکریا - تلاش هاشمی رفسنجانی برای جلب نظر مراجع در برکناری احمدی‌نژاد و حتی نوعی مخالفت با آیت‌ا... خامنه‌ای رهبر ایران

1. Fareed Zakaria, "Iran Theocracy on Its Way Out News Week, June 25, 2009.

۲. از نشریات پرتیراژ و معتبر آمریکایی.



است. فرید زکریا ادامه می‌دهد که این بار نیز ممکن است جناحی از این حکومت بتواند خود را از مهلکه نجات دهد، ولی مسلماً مشروعیت خود را از دست خواهد داد. تشدید سرکوب ممکن است جنبش مردم را به عقب براند ولی میلیون‌ها نفر از مردم ایران دیگر به ایدئولوژی این حکومت و نظام ایدئولوژیک آن باور ندارند و نباید فراموش کرد که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران حکومت فعلی ایران نخواهد توانست صرفاً با تکیه بر قدرت نظامی به حیات خود ادامه دهد. نویسنده با اشاره به دوران اصلاحات و پیروزی غیرمترقبه محمد خاتمی در مقام ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶ می‌نویسد که بحران مشروعیت نظام اسلامی پیش از آن آغاز شد. جناح حاکم در تمام این مدت کوشیده است برگزاری انتخابات را به شیوه‌ای مدیریت کند که همین درجه کوچک برای انعکاس اراده سیاسی مردم تنگ‌تر شود. نتیجه آن این شد که در رأی‌گیری اخیر چنان رأی بالایی نصیب آقای احمدی‌نژاد شد که جای هیچ تردیدی برای «پیروزی» او نگذارد و حتی آیت‌... خامنه‌ای گفت چطور یازده میلیون رأی می‌تواند تقلبی باشد.

بخش بعدی مطلب تحلیلی فرید زکریا به چگونگی سیاست آمریکا در قبال ایران اختصاص دارد. نویسنده با تأیید روش برخورد باراک اوباما با این بحران، توصیه می‌کند که رهبران آمریکا بدون حمله مستقیم به دولت یا تهدید به دخالت در امور داخلی ایران باید با حرکات و خواست‌های مردم ایران همدلی نشان دهد. در ایران حتی توده‌های مردم نسبت به نیت دولت‌های خارجی سوءظن دارند و آمریکا نباید برای سرکوب معترضان بهانه به دست حکومت ایران بدهد. نومحافظه‌کاران و تندروهای اسرائیل تمایل دارند که احمدی‌نژاد در قدرت بماند، چون از نظر آنها این گزینه برای انزوای ایران و تشدید



فشارها بر آن کشور مناسب‌تر است. در تحلیل موضع جریان‌های گوناگون در سیاست آمریکا نویسنده موضع نومحافظه‌کاران را به نقد کشیده که خواهان دخالت مستقیم‌تر آمریکا در این مسئله هستند. به اعتقاد فرید زکریا در دوران بروز بحران در اتحاد شوروی سابق نیز نومحافظه‌کاران از جورج بوش - رئیس‌جمهور وقت آمریکا - می‌خواستند که سیاست کمک به سرنگونی دولت‌های وابسته به مسکو را در پیش بگیرد. پاسخ جورج بوش در آن زمان - مثل نظر باراک اوباما در حال حاضر - این بود که هرگونه حمایت خارجی ممکن است وضعیت را در آن کشورها متشنج‌تر کند. فرید زکریا البته از یک بخش از اظهارنظرهای باراک اوباما انتقاد می‌کند که گفته بود که برای آمریکا پیروزی احمدی‌نژاد یا موسوی تفاوتی ندارد، چون هر دو از سیاست‌های بحران‌آفرین حکومت ایران در منطقه دفاع می‌کنند. نویسنده معتقد است که موسوی و اصلاح‌طلبان به دنبال عادی کردن مناسبات ایران با جامعه بین‌المللی هستند. نویسنده تأکید می‌کند که رهبران آمریکا باید به شیوه‌ای در مورد حوادث ایران اظهارنظر کنند که ضمن تجلیل از حرکات مردمی رژیم نتواند از آن بهره‌برداری کند. آنها به جای تحریک ناسیونالیسم نیرومند ایرانیان باید آن را به سمت مقابله با حکومت سوق دهند. فرید زکریا در پایان تحلیل خود اشاره می‌کند که مسئله اصلی در این میان نه اظهارنظرهای باراک اوباما، بلکه اتفاقاتی است که داخل ایران می‌افتد. تضعیف و فروپاشی نظام اسلامی بر تمام جهان اسلام تأثیر خواهد گذاشت. با وجودی که ایران یک کشور شیعه است ولی پیروزی آیت‌الله خمینی در بنای یک نظام اسلامی، سی سال پیش موجب تقویت اسلام‌گرایی تندرو در سراسر منطقه شد. اکنون با فروپاشی پایه‌های این نظام ممکن است این تعادل در منطقه به کلی دگرگون شود.



عنوان: انقلاب سبز در آمریکا^۱

نویسنده: توماس فریدمن

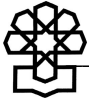
منبع: NY Times^۲

زمزمه‌های زیادی درباره اظهار نظر باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا درباره حوادث ایران وجود دارد. اما اصلاح‌طلبان ایرانی به تحسین و تعریف ما نیازی ندارند. تنها چیزی که در حال حاضر می‌تواند مؤثر واقع شود پایان دادن به اعتیادمان (وابستگی‌مان) به منابع نفتی ایران است. قیمت نفت و دموکراسی با یکدیگر نسبت عکس دارند. استقرار یک انقلاب سبز در آمریکا بهترین راه حمایت اصلاح‌طلبان در ایران است. محمود احمدی‌نژاد در دوره‌ای ریاست جمهوری ایران را در دست داشت که نفت به یکی از بالاترین قیمت‌های خود رسیده بود. بنابراین با وجود این قیمت نفت او می‌توانست درباره افسانه بودن هولوکاست سخنرانی کند، اما باور داشته باشید که اگر قیمت نفت به بشکه‌ای ۲۵ دلار برسد او دیگر حرفی از افسانه بودن هولوکاست نخواهد زد.

تیم اوباما درصدد است تا درباره برنامه هسته‌ای ایران با این کشور وارد مذاکره شود و برایش مهم نیست که چه کسی پیروز انتخابات در ایران است. اما مسئله مذاکره کردن یا مذاکره نکردن نیست. مسئله نفوذ یا عدم نفوذ است. واقعیت این است که تا زمانی که قیمت نفت بالاست، ایران قدرت کافی برای مقاومت کردن در برابر فشارهایی که به برنامه هسته‌ای این کشور وارد می‌شود را دارد. تا زمانی که

1. Thomas L. Friedman, "The Green Revolution", NY Times, June 23, 2009 .

۲. از نشریات پرتیراژ و معتبر آمریکایی.



نفت حدود بشکه‌ای ۷۰ دلار باشد، تحریم‌های اقتصادی ما تنها موجب آزار و اذیت است؛ اما با نفت ۲۵ دلاری این تحریم‌ها به‌طور جدی ضربه وارد خواهد کرد. از سوی دیگر مردم زمانی که به آنها بگویید تغییر کنند، تغییر نخواهند کرد؛ آنها تنها زمانی تغییر می‌کنند که خودشان به خودشان بگویند که باید تغییر کنند و هیچ‌چیز به رهبران ایرانی نمی‌گوید باید تغییر کنند مگر کاهش قیمت نفت. اوباما در حال حاضر ابداعاتی در زمینه ذخیره‌سازی انرژی انجام داده است. در حال حاضر نیز درصدد است تا تحقیقات بیشتری را بر روی انرژی‌های قابل تبدیل انجام دهد.

مسئله‌ای زمان‌بر است؛ اما برعکس حرف که هیچ تأثیری ندارد مؤثر واقع خواهد شد. قانون اول نفت و سیاست این است که قیمت نفت و میزان آزادی همواره با یکدیگر نسبت عکس دارند. در کشورهای وابسته به صنعت نفت زمانی که قیمت نفت کاهش پیدا می‌کند، آزادی افزایش پیدا می‌کند؛ چرا که رهبران مجبور می‌شوند فرصت تحصیل و یادگیری را به مردمانشان بدهند تا ابداع و تجارت کنند. زمانی که قیمت نفت بالا می‌رود میزان آزادی‌ها کاهش پیدا می‌کند چرا که رهبران تنها با تکیه بر درآمدهای نفتی می‌توانند در قدرت بمانند.

نمونه این مسئله، اتحادیه جماهیر شوروی است. قیمت بالای نفت در دهه ۱۹۷۰ سبب شد تا کرملین اصلاحات واقعی اقتصادی را به کناری بزند و به افغانستان هجوم ببرد. زمانی که قیمت نفت در اواخر دهه ۱۹۸۰ به ۱۵ دلار در هر بشکه رسید، امپراتوری شوروی از هم پاشید.

یگور گایدر، معاون نخست‌وزیر روسیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ در سخنرانی خود تحت عنوان «فروپاشی یک امپراتوری: درس‌هایی از روسیه جدید» به این نکته اشاره



کرد که نقطه عطف فروپاشی شوروی سابق در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۸۵ بود. در این تاریخ شیخ احمد زکی یمانی، وزیر نفت عربستان سعودی، اعلام کرد که حکومت سلطنتی سیاست‌های نفتی خود را به‌طور بنیادینی تغییر داده است. در آن زمان عربستان دست از حمایت از قیمت نفت برداشت و توانست به‌سرعت سهم خود را از بازار جهانی به دست آورد. طی ۶ ماه، تولید نفت در عربستان سعودی چهار برابر شد و این درحالی است که قیمت نفت کاهش پیدا کرد. در نتیجه شوروی سابق به طور متوسط ۲۰ میلیارد دلار در سال از دست داد، مبلغی که بدون آن نمی‌توانست به‌سادگی کشور را اداره کند.

اگر بتوانیم قیمت نفت را کاهش دهیم دولت ایران با مشکلات مشابهی روبه‌رو خواهد شد. در این مسئله باید جدی‌تر بود و همه به سمت انقلابی سبز گام برداریم تا خود را از وابستگی به نفت نجات دهیم.



عنوان: قبل از صحبت با ایران باید اندیشید^۱

نویسنده: جان کری

منبع: NYTimes^۲

رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در مقاله‌ای می‌نویسد اگر تظاهرات خیابانی چند روز گذشته در ایران نکته‌ای را به ما آموخته باشد این است که این لحظه‌ای متعلق به ایرانیان است نه آمریکایی‌ها. مقاله سناتور دمکرات جان کری در واقع پاسخی است به انتقادات فزاینده جمهوری خواهان به رویکرد پرزیدنت اوباما در برابر تحولات در ایران. تصاویر برخورد خشونت‌آمیز مأموران لباس شخصی و بسیج با تظاهرکنندگان و گرایش فزاینده ایرانیان به ایجاد ارتباطی توأم با احترام با آمریکا، فضای سیاسی در واشنگتن را نسبت به نحوه واکنش آمریکا دوقطبی کرده است. این فضا ما را هم به وسوسه واکنشی احساسی سوق می‌دهد. اما، مشکل این است که اگر هدف ما قدرت بخشیدن به مردم ایران است باید دریابیم که چگونه کلمات ما می‌تواند علیه ما و در جهت تقویت روحانیت حاکم مورد سوءاستفاده قرار گیرد و اذهان ایرانیان را از اقتصاد ورشکسته ایران منحرف کند.

به گفته جان کری، جمهوری اسلامی پیشاپیش سخت می‌کوشد مشاجرات بر سر انتخابات و تظاهرات را نتیجه مداخلات آمریکا عنوان کند و شکایت‌های دولت نسبت به تحریف در پوشش رویدادها توسط رسانه‌های خارجی رو به فزونی است. ما نمی‌توانیم از این واقعیت فرار کنیم که هرگونه امید اصلاح‌طلبان به موفقیت در گرو این است که این انتخابات مربوط به ایران باشد نه آمریکا.

1 John Kerry, "With Iran, Think Before You Speak", New York times, June 17, 2009.

۲. از روزنامه‌های معتبر آمریکایی.



به اعتقاد رئیس کمیته روابط خارجی سنا، پوسترها، شعارها و پیام‌های مردم در سایت اجتماعی توییتر هیچ چیزی درباره نیاز مردم به کمک واشنگتن را منعکس نمی‌کند؛ بلکه وقتی شعار الله‌اکبر از پشت بام‌ها سر داده می‌شود در واقع آنها زبان انقلاب خود را اقتباس دوباره می‌کنند.

کری می‌گوید درست است که میرحسین موسوی رویکرد آشتی‌جویانه‌تری نسبت به آمریکا اتخاذ کرده است؛ اما مشروعیت سیاسی او برآمده از اعتبار انقلابی‌اش در کمک به سرنگونی رژیم پهلوی مورد حمایت آمریکا است و آن گذشته است که تظاهرکنندگان حامی او را از زدن برچسب ستون پنجم دشمن مصون می‌دارد.

به تحلیل رئیس کمیته روابط خارجی سنا تغییرات در ایران در دو سطح رخ می‌دهد: در خیابان‌ها و در میان روحانیت حاکم و سرانجام هرکس پیروز انتخابات باشد چالش بنیادی امنیتی آمریکا مبنی بر جلوگیری از دستیابی ایران به جنگ‌افزار هسته‌ای تغییری نخواهد کرد و مداخله نپخته در سیاست داخلی ایران می‌تواند مذاکرات را دشوارتر کند.

سناتور کری در پاسخ به جمهوری‌خواهانی که دولت اواما را به دلیل نشان ندادن شدت عمل بیشتر مورد انتقاد قرار می‌دهند می‌نویسد مواضع تهدیدآمیز ما طی هشت سال گذشته تنها به قدرت گرفتن تندروها و تضعیف اصلاح‌طلبان انجامیده است و رئیس‌جمهوری که از گفتگوی تمدن‌ها صحبت می‌کرد با رئیس‌جمهوری جایگزین شد که هولوکاست را نفی کرده و به‌کرات از نابودی اسرائیل سخن می‌گوید.



جان کری در پایان مقاله‌اش هشدار می‌دهد که نباید به محمود احمدی‌نژاد مستمسکی برای زنده کردن خاطره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ داد. چراکه چنین امری به او اجازه می‌دهد خود را مصدق‌ی جدید جا بزند که در برابر آلت دست آمریکا ایستاده است. سناتور کری تأکید می‌کند کلمات مهم‌اند و به‌نظر می‌رسد رویکرد پرزیدنت اواما در انتخابات لبنان مؤثر بود و نشانه‌های آن را در ایران هم می‌بینیم. جان کری معتقد است انتقادات تند، این پیشرفت‌ها را محو می‌کند و به تندروهایی که خواهان مشاهده شکست مذاکرات‌اند قدرت بیشتری می‌بخشد و آنهایی را که برای حمایت از روابط بهتر برخاسته‌اند تضعیف می‌کند.



عنوان: آمریکا و ایران: میان انتخابات و غنی‌سازی اورانیوم^۱

منبع: National Iranian American Council^۲

«آمریکا و ایران: میان انتخابات و غنی‌سازی اورانیوم» عنوان نشست بود که چهاردهم ژوئن در کنگره آمریکا برگزار شد. این نشست با همکاری شورای ملی آمریکاییان ایرانی‌تبار برپا شد و در آن شماری از رهبران دمکرات کنگره و کارشناسان امور ایران سخنرانی کردند. دو سخنران اصلی کنفرانس جان تیرنی، رئیس کمیته فرعی امور خارجی و امنیت ملی مجلس نمایندگان آمریکا و گرگوری میکز، رئیس کمیته فرعی تجارت و سیاست بین‌المللی پولی در کنگره، بودند.

جان تیرنی صحبت‌های خود را با این جملات آغاز کرد که ما پیش از انتخابات می‌دانستیم سیستمی که مبتنی بر شورای نگهبان است در روند انتخابات مشکل ایجاد می‌کند. همچنین می‌دانستیم در ایران با ژورنالیست‌ها، بلاگرها و استفاده‌کنندگان از تویتر و دیگر وبسایت‌های ویژه تماس‌های اجتماعی چگونه برخورد می‌شود. تیرنی تأکید کرد شرایط بد و زشتی است که پرزیدنت اوباما را با وضعیتی غامض روبه‌رو کرده است.

وی همچنین اشاره کرد: باور بسیاری این است که رأی میلیونی، رأی علیه دیکتاتوری و محمود احمدی‌نژاد بود و اعلام زودهنگام نتایج انتخابات و دلایل دیگر تردیدهای جدی را نسبت به نتیجه انتخابات ایجاد کرده است. جان تیرنی تأکید کرد

1. "U.S. & Iran: Between Elections & Enrichment", National Iranian American Council, Sunday, 14 June 2009.

۲. شورای ملی ایرانی - آمریکا نهادی غیردولتی است که به بررسی روابط میان ایران و آمریکا می‌پردازد.



ادامه برنامه‌های هسته‌ای ایران در این میانه مشکل را پیچیده‌تر می‌کند. قانونگذار دمکرات کنگره افزود: ایران نقش مهمی در منطقه ایفا می‌کند و نگرانی‌هایی را در پیگیری برنامه هسته‌ای و موشکی‌اش و حمایت از حزب... و حماس ایجاد کرده که ضرورت تماس مستقیم با ایران را تقویت می‌کند.

جان تیرنی تأکید کرد اما، صرف اینکه ما تمایل بسیاری به حل مشکلات مهم ایران و آمریکا داریم نباید باعث شود مردم ایران از شنیدن نگرانی‌های مشروع ما نسبت به این انتخابات منع شوند.

گرگوری میکز دیگر قانونگذار آمریکایی که در جلسه سخنرانی کرد با اشاره به خشم مردم نسبت به نتیجه انتخابات گفت: حدود نه سال پیش ما نه در خاورمیانه بلکه در همین آمریکا چنین مشکلی داشتیم و بوش علی‌رغم اعتراض میلیون‌ها تن در انتخابات در برابر رقیب دمکراتش ال‌گور پیروز اعلام شد. قانونگذار دمکرات کنگره گفت من پرزیدنت بوش را به‌عنوان رئیس‌جمهور کشورم پذیرفتم ولی امیدم را به تغییر از دست ندادم و برای انتخابات بعدی تلاش کردم.

میکز گفت به آنهایی که می‌گویند پرزیدنت اوباما باید این انتخابات را مردود اعلام کند می‌گویم این واکنش‌ها صدمه می‌زند. او تأکید کرد ایران کشوری مقتدر است و این مسئله‌ای داخلی است. میکز با اشاره به جنبش غیرخشونت‌آمیز حقوق مدنی سیاهان گفت مشابتهایی میان رویدادها در ایران و آن مبارزات تاریخی در آمریکا می‌بیند و معتقد است این جنبش برخاسته از نیروی جوانان و اراده مردم ایران در نهایت غالب می‌شود. میکز با تأکید بر پرهیز از مداخله خارجی در رویدادها در



ایران گفت من عاشق کشورم آمریکا هستم و دوست ندارم کسی از آن بد بگوید؛ اما، این به این معنا نیست که کشور من بی‌عیب و نقص است.

یکی از برنامه‌های دیگر این کنفرانس، برنامه‌های آمریکا در رابطه با دفاع از حقوق بشر در ایران و حل‌وفصل برنامه هسته‌ای ایران بود. در این رابطه بر این مسئله تأکید شد که جامعه جهانی باید از مرحله اصرار بر اینکه ایران نمی‌تواند به هیچ‌وجه غنی‌سازی اورانیوم داشته باشد دست بردارد و به‌سوی راه‌هایی برای نظارت دائم و قابل تأیید بر مراکز غنی‌سازی و هسته‌ای ایران حرکت کند و اطمینان حاصل کند که ایران بیش از پنج درصد اورانیوم را غنی نخواهد کرد. دستیابی به یک بمب هسته‌ای در منطقه هیچ مشکلی را از ایران حل نمی‌کند و ایران تا دستیابی به چندین بمب هسته‌ای دستکم چهار تا پنج سال فاصله دارد. دیوید کی تأکید کرد تنها کشوری که در سایه برخورداری از بمب اتم تحت خطر قرار می‌گیرد خود ایران است.



عنوان: ساختار سیاست خارجی سردرگم آمریکا در مورد ایران^۱

منبع: Foreign Policy Magazine^۲

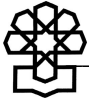
تغییرات در مقام‌ها و کارکردهای آنها در وزارت امور خارجه آمریکا در مسائل مربوط به خاورمیانه و به‌ویژه تعامل با ایران موجب سردرگمی مقام‌های این وزارتخانه شده است، به دنیس راس وظایف بیشتری حتی در حوزه عراق سپرده خواهد شد. اخیراً از سوی هیلاری کلینتون حکمی منتشر شد که وی دنیس راس را که مشاور ویژه وزارت امور خارجه آمریکا در امور مربوط به خاورمیانه مخصوصاً ایران است به شورای امنیت ملی منتقل ساخته است. اما این انتصاب در هاله‌ای از ابهام بوده و هنوز به‌صورت رسمی اعلام نشده است. پرسش‌های بدون پاسخ زیادی وجود دارد که آیا این جابه‌جایی تا چه اندازه در ادامه روند قبلی در آمریکا بوده است و این تغییر در سیاست خارجی او‌باما چه معنایی دارد و پرسش‌هایی را در مورد دیگر خواسته‌های او‌باما در مورد صلح جامع در خاورمیانه از این فرد شکست‌خورده در منازعه بین اسرائیل و فلسطینی‌ها به وجود آورده است. آیا اعلام این خبر در زمانی که ایران وقایعی را پس از انتخابات ریاست جمهوری می‌گذراند هدف خاصی را دنبال می‌کرد؟ این ابهام‌ها هنگامی تشدید می‌شود که جابه‌جایی‌ها به‌صورت کاملاً مخفیانه انجام شود و درستی آن به‌صورت رسمی تأیید نشود. به اعضای تیم راس اطمینان داده شد که در وزارت امور خارجه باقی خواهند ماند، اما مشخص نیست که همه یا برخی از افرادی که در شورای امنیت ملی بودند باقی می‌مانند. افرادی که در

1. "Dennis Ross's expanded portfolio" Foreign Policy Magazine, June 23. 2009.

۲. از پایگاه‌های معتبر که به بررسی مسائل بین‌المللی و سیاست خارجی می‌پردازد.



این شورا در خصوص ایران و خاورمیانه فعالیت می‌کنند از این تغییرات سر درگم شده‌اند. حال برخی خبرها نیز گزارش می‌دهند که قرار است موضوع عراق نیز به دنیس راس سپرده شود. براساس برخی اطلاعات «توماس دونیلون» جانشین مشاور امنیت ملی به راس در مورد ایران، عراق و خاورمیانه مشاوره می‌دهد. «داگلاس لوت» که پیش از این در امور نظامی عراق مشاوره می‌داد نیز به تیم راس اضافه می‌شود. «پونیت تالوار» مشاور ارشد شورای امنیت ملی آمریکا است و در امور خلیج فارس، ایران و عراق به راس گزارش‌هایی را ارائه خواهد کرد. «دانیل شاپیرو» نیز که مشاور شورا در امور شمال آفریقا و خاورمیانه بود وظیفه‌ای مانند تالوار را انجام خواهد داد. در مورد عراق یک مدیر ارشد وجود نخواهد داشت و در عوض دو یا سه مدیر در مورد عراق به تالوار گزارش می‌دهند. در ماه ژانویه، لوت دو مدیر ارشد و شش مدیر را در امور عراق به‌کار گمارده بود اما به تدریج در این چند ماه از حوزه فعالیت گروه لوت کاسته شد و اکنون نیز وظایف در خصوص عراق به راس سپرده شد. این نگرانی وجود دارد که تالوار و راس عمده فعالیت و تمرکز خود را صرف مسائل مربوط به ایران کنند و توجه چندانی به مسائل عراق مبذول نشود. به «جیمز جونز» که از مشاوران این شورا است گفته شده که مراقب وقوع چنین اتفاقی باشد و به دانیلون گفته شده است تا در راستای سیاست خارجی اوپاما در کنار «مارک لیپرت» حرکت کند. لیپرت، دانیلون و دیگر مقام‌ها در مورد این تغییر وظایف حاضر به سخن گفتن نیستند. تیم دنیس راس در بررسی موضوع ایران عبارت است از: «ری تکیه» متخصص امور ایران، «بن فیشمن» مشاور ویژه، «الیزا کاتالانو» مشاور ارشد سیاسی وزارت خارجه آمریکا و «آلکس دگان» مشاور ارشد علمی وزارت خارجه. البته



گروهی که با جورج میشل فرستاده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه فعالیت می‌کند نسبت به تداخل کارکردی با تیم راس نگران است. اکنون میشل در امور منطقه با مشکل همراه است و در شورای امنیت ملی نیز نسبت به این دوگانگی مخالفت‌هایی وجود دارد.



عنوان: چرا اسرائیل به ایران حمله نخواهد کرد؟^۱

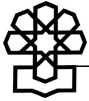
نویسنده: استیون کوک

منبع: Foreign Policy Magazine^۲

آیا اسرائیلی‌ها در آستانه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران هستند؟ شکی نیست که اگر اسرائیل به رآکتور بوشهر یا تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در نطنز حمله هوایی کند، این مسئله تبعات اقتصادی به همراه خواهد داشت؛ اما اگر رهبران اسرائیل قصد حمله داشتند، خبر آن را در تمام دنیا پخش نمی‌کردند. با این وجود، در این رابطه یک ابهام وجود دارد و آن اینکه چرا با وجود اینکه از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ میلادی اسرائیلی‌ها از حمایت قطعی دولت آمریکا از اسرائیل (که در حمایت آن از این کشور بی‌سابقه بود) برخوردار بودند به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله نکردند؟ جورج بوش و مشاوران وی به جنگ لبنان در سال ۲۰۰۶ میلادی کمک کردند به این امید که نیروهای دفاعی اسرائیل که درباره آنها اغراق بسیار شده بود بتوانند ضربه‌ای مهلک به حزب... وارد آورند. بنابراین چرا نباید ایران، حامی اصلی را که بسیار تهدید بیشتری از ارتش شبه‌نظامی حزب... برای اسرائیل و منافع آمریکا در منطقه محسوب می‌شود، سر جای خود نشانند؟ پاسخ‌های متداول کسل‌کننده به این سؤال‌ها این است که اسرائیل ظرفیت اعزام هواپیماهای «اف ۱۵ اس» خود به ایران و بازگرداندن آنها را ندارد. اینکه در مورد اهداف کنونی اطمینانی وجود ندارد، اینکه خطر درگیری غیرعمدی احتمالی با کارکنان پروازی ترکیه یا حتی آمریکا وجود دارد و اینکه

1. Steven A. Cook, "Why Israel Won't Attack Iran", Foreign Policy Magazine, June, 2009.

۲. از پایگاه‌های معتبر که به بررسی مسائل بین‌المللی و سیاست خارجی می‌پردازد.



اسرائیلی‌ها در حقیقت - با وجود تمام شواهدی که نشان می‌دهد اسرائیل عمیقاً در مورد اینکه آمریکا بتواند در مذاکرات چیزی به ایران بدهد که بتواند جاه‌طلبی‌های هسته‌ای آن را کاهش دهد، مزنون است - درصدد اتمام حجت و دادن فرصت به دیپلماسی هستند. با این وجود در ماه ژانویه نیویورک تایمز هنگامی که گزارش داد رهبران دفاعی و سیاسی اسرائیلی بارها به دولت بوش درخواست اجازه برای حمله به ایران داده‌اند، اما آمریکا این کار را تأیید نکرده باعث اعتراضات زیادی شد. حال، چرا اسرائیلی‌ها به هر حال حمله نکردند؟ آیا بوش به نیروی هوایی آمریکا دستور می‌داد که هواپیماهای اف ۱۵ اس اسرائیل را در حالی که مثل برق از روی بغداد برای رفتن به ایران عبور می‌کردند ساقط کنند؟ احتمال این امر بعید بود. کاخ سفید بوش حتی اگر هم خیلی تمایل داشت، هنگامی که با حمله اسرائیل مواجه می‌شد در موقعیتی نبود که بتواند حمله اسرائیل را محکوم کند. با توجه به شعارهای «محور شرارت» و «شما یا با ما هستید یا علیه ما» مسلماً برای بوش مناسب نبود از اسرائیلی‌ها به دلیل زدن ضربه‌ای به ایران شدیداً انتقاد کند. به‌علاوه اسرائیلی‌ها، هنگامی که در ۷ ژوئن سال ۱۹۸۱ میلادی جلسه معمول مقامات دولت ریگان با رسیدن گزارش‌هایی در مورد مخروبه‌های در حال سوختن آنچه قبلاً تأسیسات هسته‌ای اوسیراک عراق بود، مختل شد، سابقه عدم اطلاع به آمریکا در مورد عملیات نظامی بهت‌آور را از خود به‌جا گذارده بودند. با توجه به برداشت اسرائیل از تهدید جدی ایران و مهارت قبلاً به نمایش گذارده شده این کشور در اقدام نظامی، باید عامل دیگری وجود داشته باشد که باعث شده اسرائیلی‌ها دست به اقدام نزنند. به احتمال بسیار زیاد، این عامل اهمیتی است که روابط نزدیک با واشنگتن در محاسبات سیاست داخلی رهبران اسرائیل دارد.



برخلاف سال ۱۹۸۱ میلادی، که آمریکا به زحمت دارای جای پای در خاورمیانه بود، اکنون واشنگتن دو کشور را در منطقه اشغال کرده و دارای تأسیسات نظامی در سراسر خلیج فارس است و برای حمایت‌های لجستیکی متکی به دولت‌های عرب است. در صورت حمله اسرائیل مطمئناً واشنگتن متهم به تباری با اسرائیل خواهد شد که این به‌طور جدی باعث آسیب رسانیدن به موقعیت آمریکا در منطقه شده و در عین حال واکنش شدید ایران در عراق، افغانستان، غزه و جنوب لبنان را در پی خواهد داشت. اختلاف ناشی از این امر بین اسرائیل و آمریکا می‌تواند بی‌سابقه باشد و بحرانی را به‌وجود خواهد آورد که بسیار جدی‌تر از درخواست رئیس‌جمهور آیزنهاور از اسرائیل برای متوقف شدن عملیات بعد از حمله به صحرای سینا در سال ۱۹۵۶ میلادی و ارزیابی مجدد جرالده فورده در سال ۱۹۷۵ میلادی – که در آن او تمام توافقات نظامی و اقتصادی بین دو کشور را در صورتی که اسرائیل در مذاکرات در قرارداد دوم صحرا همکاری نمی‌کرد، متوقف می‌کرد – خواهد بود. این سناریویی است که بسیاری از اسرائیلی‌ها، از جمله نتانیاها، احتمالاً نمی‌توانند در مورد آن احساس آرامش کنند. اسرائیلی‌ها همیشه ادعا کرده‌اند که آنها خواستار یک قرارداد رسمی دفاعی با آمریکا نیستند، زیرا می‌ترسند یک چنین پیمانی آزادی و قدرت مانور را از آنها سلب کند. «دیوید بن گوریون»، نخست‌وزیر اسرائیل خواستار روابط نزدیک با واشنگتن بود، اما نه به قیمت از دست دادن استقلال یا موجودیت اسرائیل. حوادث سال ۱۹۵۶ و ۱۹۷۵ میلادی آموزنده هستند، زیرا اسرائیلی‌ها عقب‌نشینی کرده و یک نمونه غیررسمی برای روابط آینده ایجاد کردند که در آن نخست‌وزیران اسرائیل در مقابل آمریکا با احتیاط قدم برمی‌دارند. البته استثناهایی نیز وجود داشت. مخصوصاً



خودداری «مناخیم بگین» از تن دادن به خواسته‌های رونالد ریگان برای توقف بمباران بیروت در تابستان سال ۱۹۸۲ میلادی به‌وسیله اسرائیل. با این وجود، جانشین بگین، اسحاق شامیر، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه اسرائیل در چند دولت در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی مخاطرات مخالفت با واشنگتن را آموخت. در زمان جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ میلادی شامیر باید حملات موشک‌های اسکاد عراق را تحمل می‌کرد، درحالی که آمریکا که نگران بود که ممکن است ائتلاف ضدصدام این کشور به‌هم بخورد، او را تحت فشار قرار داد تا تلافی نکند. چند ماه بعد، شامیر با اصرار رئیس‌جمهور «جرج اچ دبلیو»، بوش در مورد اینکه اسرائیل شهرک‌سازی را متوقف کند، مخالفت کرد درحالی‌که به‌طور همزمان تقاضا داشت که آمریکا برای ده میلیارد دلاری که دولت اسرائیل در نظر داشت از بانک‌های تجاری وام بگیرد، تضمین بدهد. بوش با این تضمین مخالفت کرد و گفت: در صورتی که اسرائیل قول بدهد این پول را صرف شهرک‌سازی در غزه و کرانه باختری نکند با این کار موافقت خواهد کرد. نخست‌وزیر اسرائیل خودداری کرد و باعث شد یک بحران کوچک در روابط دو کشور به‌وجود آید که ویژگی آن یک جنگ کوچک لفظی و اقدامات تحریک‌آمیز از قبیل پخش خبر شهرک‌سازی جدید به‌وسیله اسرائیل – هر زمان که جیمز بیکر، وزیر خارجه بوش از منطقه دیدن می‌کرد – بود. در ماه ژوئن سال ۱۹۹۲ میلادی رأی‌دهندگان اسرائیل، شامیر را به نفع اسحاق را برکنار کردند. او از روابط خوبی با جورج بوش تا زمانی که در انتخاب دوباره بازنده شد، برخوردار بود. ناکامی شامیر در انتخابات به‌دلیل ترکیبی از عوامل بود، از جمله اقتصاد اسرائیل که برای جذب صدها هزار مهاجر روسی با مشکل روبه‌رو بود، اما روابط با آمریکا در زمان



مبارزات انتخاباتی به نظر نگران‌کننده می‌رسید. در عوض طرفداران حزبی رابین، شامیر و حزب لیکود وی را متهم به تیره کردن روابط آمریکا و اسرائیل می‌کردند. در نهایت رأی‌دهندگان اسرائیلی باور کردند که کشور به‌طور صریح اداره نمی‌شود، همان‌طور که بعضی از مفسران استدلال می‌کردند که حزب لیکود توانایی‌های اسرائیل را، به‌دلیل تیره شدن روابط با واشنگتن، فدای دفاع از خود کرده است. بیشتر منطق متعارف در مورد اهمیت روابط دوجانبه در سیاست اسرائیل براساس شکست شامیر و شواهد داستان‌گونه‌ای که در روزنامه‌ها و بر زبان کارشناسان وجود دارد، استوار است. در حقیقت تجربه شامیر باعث شد تا حدسیات در مورد ناظران در اسرائیل و در جاهای دیگر قوت گیرد که باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا سعی دارد با افزایش تنش با اسرائیل در مورد شهرک‌سازی باعث تضعیف ائتلاف نتانیاهو شود. در یک نظرسنجی اخیر که منظور از آن بررسی نظرات غالب در اسرائیل در مورد آمریکا بوده نشان می‌دهد که اکثریت قابل ملاحظه‌ای در آنجا دارای نظرات کاملاً مثبتی در مورد آمریکا هستند و واشنگتن را یک متحد ثابت‌قدم تلقی می‌کنند. با این وجود، یک نظرسنجی در ماه آوریل نشان داد که ۹۴/۵ درصد از اسرائیلی‌ها معتقد هستند که اسرائیل باید در مورد ایران با آمریکا مخالفت کند، اما در عین حال ۹۱ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که روابط با آمریکا برای امنیت اسرائیل حیاتی است. راهی وجود ندارد که بتوان کاملاً با اطمینان فهمید که اسرائیل چه خواهد کرد، اما در این بررسی، مسائل کلیدی وجود دارد. ایران و برنامه هسته‌ای این کشور تهدیدی برای اسرائیل باقی مانده و تقریباً نیمی از اسرائیلی‌ها خواستار بمباران ایران حتی در صورتی که اوباما این کار را تأیید نکند می‌باشند. به نظر می‌رسد این امر یک فرصت



مناسب برای رهبران اسرائیل جهت دادن دستور حمله هوایی است. با این وجود، ناظران باید سؤال کنند که چرا اسرائیلی‌ها منتظر مانده‌اند. اگر ایرانی‌ها واقعاً موفق به ساخت سلاح هسته‌ای شوند، این مسئله یک گام عمده و هشداردهنده است؛ اما اسرائیلی‌ها مدت‌هاست اظهار می‌کنند که تنها این حقیقت که ایرانی‌ها اورانیوم غنی‌سازی می‌کنند یک خطر بزرگ محسوب می‌شود. تحت این شرایط شکیبایی اسرائیل - با وجود شعارهای تند- نشان می‌دهد که رهبران اسرائیل معتقد نیستند که شرایط سیاسی برای اقدام یک‌جانبه مناسب باشد. سابقه تاریخی، به‌همراه ۹۱ درصد از اسرائیلی‌ها که معتقد هستند روابط بین اسرائیل و آمریکا حیاتی است و تقریباً کمی بیش از نیمی از یهودیان اسرائیل که تمایلی به مخالفت با آمریکا ندارند، قویاً حاکی از آن است که هنگامی که چاره دیگری وجود نداشته باشد اسرائیل با واشنگتن مخالفت خواهد کرد. در نتیجه تمام این علائم حاکی از حمله اسرائیل - حمله علیه سوریه در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۷ میلادی، رزمایش بزرگ هوایی بر روی دریای مدیترانه در تابستان سال ۲۰۰۸ میلادی و تمرین نظامی اخیر که به‌وسیله فرماندهی جبهه داخلی اسرائیل انجام شد - ممکن است در واقع نشانگر آن باشد که اسرائیل به‌جای آنکه به ایران حمله کند، سعی می‌کند بفهمد چگونه می‌تواند جلوی پیشروی ایران را بگیرد.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۷۵۸

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۲۸)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

سر ویراستار ادبی: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۵/۵